

The End of Resistance or Compromise with the Enemy from the Perspective of the Holy Qur'an

Nadereh Rahimi Nazadqareh Aghaj¹

Reyhaneh Haghani²

Received: 06/05/2021

Accepted: 14/07/2021

Abstract

The confrontation of right with wrong is a divine tradition that dates from the past of history and has faced ups and downs in its constant confrontation. Sometimes right prevailed over wrong, and sometimes wrong prevailed. In the current era, the view of resistance or compromise has become more prominent, with the display of power and wealth of global arrogance and the scarcity of material resources of the Right Front on the one hand and the threats of the domination system to improve them on the other hand. The Holy Qur'an, while warning about secret relations with the enemy and compromising with them, introduces the building of atheism as the weakest houses. According to the divine tradition, standing against wrong and putting up with hardships is considered as the condition for the victory of right and the defeat of wrong, and has real effects, such as the development of sustenance and livelihood, the descent of the angels, becoming the beloved of God and honor, and will provide the context for the formation of the world civilization of Islam. However, not resisting and compromising with the enemy leads to apostasy, misguidance, humiliation, and wrath of God. Therefore, recognizing these works plays an important role in choosing

1. Seminary Student and researcher of Al-Zahra University, Qom, Iran (corresponding author).
rahimi.nadereh@yahoo.com.

2. Instructor and student of Level 4 of Islamic Seminary in comparative Interpretation (of Qur'an).
haghani.r@jz.ac.ir

* Rahimi Nazadqareh Aghaj, N., & Haghani, R. (1400 AP). The End of Resistance or Compromise with the Enemy from the Perspective of the Holy Qur'an. *Journal of Studies of Qur'anic Sciences*, 3(7), pp. 91-111. Doi: 10.22081/jqss.2021.58771.1113

one of the two paths ahead. The present study deals with the end of each of these two paths from the perspective of the Holy Qur'an in a descriptive-analytical method. According to the research findings, compromise with the enemy leads to apostasy, misguidance, humiliation, and wrath of God whereas resistance against the enemies of right, in addition to divine sustenance, the descent of angels, becoming the beloved of God, victory and honor, provide the means for Islam to overcome atheism and form the world civilization of Islam.

Keywords

End, Resistance, Compromise, Surrender, The Qur'an.

عاقبة المقاومة أو المهادنة للعدو من منظار القرآن الكريم

نادرة رحيمي نزادقده آغاچ^١ ریحانة حقّانی^٢

تاریخ الاستلام: ١٤٤٢ / ٠٩ / ٢٣ تاریخ القبول: ١٤٤٢ / ١٢ / ٠٣

الملخص

إنّ صراع الحقّ والباطل هو سنّة إلهية تعود بداياتها إلى الماضي السحيق، وقد شهد هذا الصراع خلال مسيرته الدائمة فترات مختلفة من التصاعد أو التهور. وفي بعض الأحيان ينتصر الحقّ على الباطل، وفي أحيان أخرى تكون الغلبة لتيّار الباطل. وفي العصر الحاضر حيث امتاز باستعراض قوّة الاستتجار العالمي وثروته، وقلة الإمكانيات المادّية لجبهة الحقّ من جانب، مع تهديدات نظام الاستعمار الهادفة إلى تركيع هذه الجبهة من جانب آخر، كلّ ذلك أدّى إلى التميّز الأكثر وضوحاً لموقفي المقاومة أو المهادنة. والقرآن الكريم ضمن تحذيره من إقامة العلاقات السريّة مع العدو ومهادنته، يشير إلى أنّ بيت الكفر هو أوّهن البيوت. وبناءً على مقتضيات السنّة الإلهية فإنّ الوقوف بوجه الباطل وتحمل مصاعب ذلك هو الشرط لتحقيق انتصار الحقّ وهزيمة الباطل، وإنّ هذا الوقوف والصمود له آثاره الحقيقية المتمثّل بعضها بتوسعة الرزق ونزول الملائكة ونيل المحبة الإلهية والعزّة، وكلّها تعدّ مقدّمات لقيام الحضارة الإسلاميّة العالميّة. أمّا عدم المقاومة واللجوء لمهادنة العدو فعاقبته هو الارتداد والضياع والذلّة وغضب الربّ. ومن هنا كان لمعرفة هذه الآثار دورها الكبير في انتخاب أحد هذين المسيرين. والتحقيق الحالي يبحث بأسلوب مستند وبمنهج توصيفي تحليلي في عواقب كلّ واحد من هذين المسيرين من منظار القرآن الكريم. وبناءً على ما يتوصّل إليه هذا التحقيق فإنّ عواقب مهادنة العدو والتخاذل أمامه هو الارتداد والضياع والذلّ وغضب الله، أمّا المقاومة في وجه أعداء الحقّ فإنّها إضافةً لما تجلبه من الرزق الإلهي ونزول الملائكة ونيل محبة الله والنصر والعزّة، توفر مستلزمات انتصار الإسلام على الكفر وبناء الحضارة الإسلاميّة العالميّة.

الكلمات المفتاحية

العاقبة، المقاومة، المهادنة، التسليم، القرآن.

١. طالبة ومحقّقة في جامعة الزهراء، قم، إيران (الكاتب المسؤول). rahimi.nadereh@yahoo.com

٢. مدرّسة وطالبة السطح الرابع في التفسير المقارن، قم، إيران. haghani@jz.ac.ir

* رحيمي نزاد قده آغاچ، نادرة، حقّاني، ریحانة. (١٤٤٢). عاقبة المقاومة أو المهادنة للعدو من منظار القرآن الكريم. مجلة فصلية علمية - محكمة دراسات في علوم القرآن، ٣(٧)، صص ٩١ - ١١١. Doi: 10.22081/jqss.2021.58771.1113

فرجام مقاومت یا سازش با دشمن از منظر قرآن کریم

ریحانه حقانی^۱

نادره رحیمی نژاد قره آغاج^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۶

چکیده

رویارویی حق با باطل، سنتی الهی است که از گذشته‌ی تاریخ آغاز شده و در تقابل مستمر خود با فراس و نشیب‌هایی مواجه بوده است. گاهی حق بر باطل پیروز می‌شده و گاهی جریان باطل از برتری برخوردار بوده است. در عصر کنونی با نمایش قدرت و ثروت استکبار جهانی و قلت امکانات مادی جبهه حق از یکسو و تهدیدهای نظام سلطه برای به‌زانو درآوردن آنان از سوی دیگر، دیدگاه مقاومت یا سازش نمود بیشتری پیدا کرده است. قرآن کریم ضمن هشدار در مورد روابط پنهانی با دشمن و سازش با آنان، بنای کفر را سست‌ترین خانه‌ها معرفی می‌کند. براساس سنت الهی ایستادگی در برابر باطل و تحمل سختی‌ها، شرط پیروزی حق و شکست باطل است و آثار حقیقی از جمله توسعه رزق، نزول فرشتگان، محبوب خدا واقع شدن و عزت را به دنبال داشته است و مقدمه تشکیل تمدن جهانی اسلام را فراهم خواهد کرد؛ اما مقاومت نکردن و سازش با دشمن، ارتداد، گمراهی، ذلت و خشم خدا را در پی دارد؛ از این رو شناخت این آثار نقش بسزایی در انتخاب یکی از دو مسیر پیش رو دارد. پژوهش حاضر به روش اسنادی و با شیوه توصیفی - تحلیلی به فرجام هر کدام از این دو مسیر از منظر قرآن کریم می‌پردازد. براساس یافته‌های تحقیق، سازش با دشمن، ارتداد، گمراهی، ذلت و خشم خدا را در پی دارد و مقاومت در برابر دشمنان حق افزون بر رزق الهی، نزول فرشتگان، محبوب خدا واقع شدن، نصرت و عزت، موجبات غلبه اسلام بر کفر و تشکیل تمدن جهانی اسلام را فراهم می‌کند.

کلیدواژه‌ها

فرجام، مقاومت، سازش، تسلیم، قرآن.

rahimi.nadereh@yahoo.com

۱. طلبه و پژوهشگر جامعه الزهراء، قم، ایران (نویسنده مسئول).

haghani.r@jz.ac.ir

۲. مربی و سطح ۴ تفسیر تطبیقی. قم، ایران.

* رحیمی نژاد قره آغاج، نادره؛ حقانی، ریحانه. (۱۴۰۰). فرجام مقاومت یا سازش با دشمن از منظر قرآن کریم. فصلنامه

علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۳(۷)، صص ۹۱-۱۱۱. Doi: 10.22081/jqss.2021.58771.1113

۹۱-۱۱۱. صص ۷-۱۴۰۰. پیاپی ۷

مقدمه

در طول تاریخ، در تقابل مستمر بین حق و باطل، گاهی حق به پیروزی ظاهری رسیده و گاهی باطل بر اریکه قدرت، خودنمایی می کرده است؛ اما قرآن کریم پیروزی نهایی حق بر باطل را سنت قطعی و سرنوشت حتمی تاریخ بشر می داند، به طوری که هیچ نام و نشانی از باطل باقی نماند. برای تبیین این امر، قرآن خداوند را حق مبین (نور، ۲۵) و غیر او را باطل معرفی می کند (حج، ۶۲) و در بیان پوچی و فانی بودن باطل، آن را به کف روی آب مثال می زند که عمر کوتاهی دارد؛ ولی آب و دیگر مواد سودمند باقی ماندنی هستند (رعد، ۱۷).

با وجود وعده‌های قطعی خداوند در غلبه حق بر باطل، با گسترش هیمنه ظاهری استکبار جهانی از یک سو و قلت عِدّه و عُدّه جبهه حق از سوی دیگر، اضطراب و تشویش در قلب برخی افراد به وجود می آید که آیا مقاومت و ایستادگی در برابر جریان باطل و استکبار جهانی، می تواند ثمربخش باشد یا باید در مقابل دشمن سر تسلیم فرود آورد و تابع خواسته‌های او شد. این پرسش که اغلب از طرف منافقان و افراد ضعیف‌الایمان مطرح و سپس در سطح وسیعی در جامعه منتشر می شود، در هر عصری مورد توجه رهبران انقلابی بوده و آنان را در تکاپوی اتخاذ روش عقلی و منطقی قرار داده است. قرآن کریم ضمن توصیف بنای کفر به خانه عنکبوت (عنکبوت، ۴۱) و دعوت به مقاومت و ایستادگی در مقابل این قدرت پوشالی، وعده پیروزی مؤمنان صابر را با وجود کم بودن نیرو داده (انفال، ۶۵) و عزت واقعی را از آن خدا و رسول و مؤمنان دانسته و از سازش با باطل به شدت بر حذر داشته است.

موضوع مقاومت و تسلیم از دیرباز مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده است؛ اما آنچه امروز بر اهمیت این بحث می افزاید، صف آرایی دشمنان اسلام با تمام مظاهر مادی آن علیه حق و تشکیل محور مقاومت در برابر استکبار جهانی است. بر این اساس، پژوهش حاضر عهده دار تبیین فرجام مقاومت و سازش از منظر قرآن کریم است که پس از بحث مفهوم شناسی و نگاهی کوتاه به مقاومت و تسلیم و ترندهای دشمن در به سازش کشاندن مؤمنان، به زمینه‌ها، آثار و تبعات هر کدام از منظر قرآن کریم

می‌پردازد. از آنجایی که شناخت دقیق این آثار در جامعه ایمانی، نقش بسزایی در انتخاب یکی از دو مسیر مقاومت یا سازش دارد، اهمیت موضوع و ضرورت آن دوچندان می‌نماید. در واکاوی‌های صورت گرفته درباره مقاومت و سازش، آثار مکتوب متعددی یافت شد که تدوین‌گران آنها هر کدام از یک زاویه این دو مقوله را بررسی کرده‌اند؛ از جمله کتاب مقاومت در اسلام، نظریه و الگو به قلم اصغر افتخاری، انتشارات اندیشه‌سازان نور و مقاله «تسلیم یا مقاومت در برابر دشمن (امریکا)» اثر علی اصغر نصیری، مجله پیام، شماره ۱۳۰، پاییز ۱۳۹۷ و مقاله «مؤلفه‌های مقاومت در کلام مقام معظم رهبری» اثر داوود مؤذنیان، مجله مبلغان، ش ۲۱۱، ۱۳۹۸ یافت شد؛ ولی اثر مستقلی که به تحلیل مقاومت و سازش از منظر قرآن پردازد، یافت نشد، هرچند بیانات مقام معظم رهبری در این زمینه بسیار راهگشا است.

۱. واکاوی مفهومی

بحث از فرجام مقاومت و سازش نیازمند مفهوم‌شناسی واژه‌های «فرجام»، «مقاومت» و «سازش» است؛ بنابراین، قبل از ورود به بحث اصلی، به تبیین مفهوم واژگان مذکور می‌پردازیم.

۱-۱. فرجام

واژه فرجام بر وزن و معنای انجام است که به معنی انتها، آخر، عاقبت، خاتمه و ختام است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۰، ص ۱۵۰۲۶).

۲-۱. مقاومت

واژه مقاومت اسم مصدر به معنای ایستادگی، پافشاری، استقامت و پایداری است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۳، ص ۱۸۸۱). این واژه در قرآن کریم به کار نرفته است؛ اما در همین مفهوم، مشتقات ماده «قوم» از جمله «استقامت» به کار رفته است. در معنایی جامع می‌توان گفت نظر به اینکه اصل واحد در این ماده، مفهومی است در برابر قعود و معنای اصلی

آن به پاداشتن عمل است، مقاومت با توجه به معنای مشارکتی باب مفاعله، به معنای شرکت دو شخص در فعل که هر دو هم فاعل اند و هم مفعول، و اگر به معنای استقامت آمده است، شاید از این جهت باشد که پایداری در هر دو حیث فاعلی و مفعولی لحاظ می‌شود. رهبر معظم انقلاب در معنای مقاومت می‌فرماید: «معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق می‌داند، راه درست می‌داند و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۳/۱۴).

۳-۱. استقامت

استقامت به معنای راستی، اعتدال، راست‌ایستادن، راست‌شدن است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۸۳۹). جوهری آن را به «اعتدال در امر» معنا کرده است (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۲۰۱۷). راغب در معنای استقامت چنین گفته است: استقامت به راهی گفته می‌شود که بر خط راست باشد. راه حق به چنین راهی تشبیه شده است، مانند «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» و لازمه آن، استقامت انسان بر راه مستقیم است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۹۲). مصطفوی نیز در معنای استقامت چنین گفته است: استقامت باب استفعال است و دلالت می‌کند بر طلب پایداری در امری، خواه ارادی، خواه طبیعی یا عملی باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۹، ص ۳۸۱). ابن‌عاشور نیز حقیقت استقامت را در عدم انحراف و میل کردن می‌داند که به وجه استعاره به هر چیزی که حسن عمل و سیره را براساس حق و صدق جمع کند، گفته می‌شود (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۵، ص ۵۰).

۴-۱. صلح

واژه صلح در لغت به معنای آشتی، سلیم، تراضی میان متنازعیان، سازش و ازین‌بردن نفرت میان مردم است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۸۹؛ دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۹، ص ۱۳۲۴۸). برخی این واژه را به مصالحه بین مردم معنا کرده‌اند (صاحب، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۵۹). صلح در اصطلاح استمرار حالت عادی و نوعی ترک فعل و خودداری از اعمال خشونت و رفتار خصمانه

به‌شمار می‌رود و اگر در مواردی به دنبال جنگ رخ دهد، اغلب در قالب قراردادهایی تحقیق می‌یابد که فقها آن قراردادهای را با عناوین خاص مانند ذمه، استیمان، هدنه و نظایر آن مطرح کرده‌اند (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۱۹).

۱-۵. سلم

واژه «سلم» به کسر سین و سکون لام (سِلْم) و به فتح سین و سکون لام (سَلْم) و به فتح سین و فتح لام (سَلَم)، به معنای آشتی و صلح در مقابل جنگ است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۸، ص ۱۲۱۰۷؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۲، ص ۳۱۰). برخی لغت‌شناسان واژگان «سَلْم، سَلَم، سَلْم، سَلَام و مُسَالَمَة» را به معنای صلح می‌دانند (صاحب، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۳۳۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۲۳). در قرآن کریم، واژه‌های سَلْم و سَلْم در معنای صلح به کار رفته است: «وَ اَلْفَوْا اِلَيْكُمُ السَّلَامَ» (نساء، ۹۰)، «وَ اِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» (انفال، ۶۱).

۱-۶. سازش

واژه سازش ترجمه دو واژه «صلح» و «سلم» است که توضیح داده شد؛ البته امروزه در زبان فارسی واژه سازش بار منفی گرفته است، برخلاف واژه صلح که بار منفی ندارد.

۲. چپستی استقامت در قرآن

مفسران درباره چپستی استقامت در قرآن دیدگاه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند، از قبیل اینکه، استقامت استمرار داشتن در جهت واحد است و اینکه نه به سمت راست عدول کند و نه به سمت چپ و اینکه استقامت با روش مستقیم که بین افراط و تفریط در علم و عمل و اخلاق است، ملازم است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۳۴) و اینکه استقامت به پیوستگی ثبوت قدم در راهی است که هیچ‌گونه کثری در آن نیست (مراغی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۹۰) و اینکه استقامت به دوام در تمسک به اسلام به وجهی پایدار و استوار است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۳۳۹). وجه مشترک آنچه گفته شد، مداومت در راه راست و متمایل نشدن به راست و چپ است.

از دیدگاه علامه طباطبایی واژه استقامت در قرآن بر متعادل‌ترین حالت هر چیز استعاره شده است. استقامت به معنای طلب قیام از هر چیز و استدعای ظاهرشدن تمام آثار و منافع آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۴۷). در آیه ۱۶ سوره جن می‌فرماید: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا؛ بی‌تردید اگر (انس و جن) بر راه (راست اعتقاد و عمل) استقامت ورزند، حتماً آنها را از آب فراوان (و برکات مادی و معنوی) سیراب سازیم». «استقامت طریق» این است که راه متصف باشد به آن وصفی که غرض از راه، همان وصف است، و آن این است که کوتاه‌ترین و روشن‌ترین راه باشد و ما را دچار تردید نسازد. استقامت در یک کار این است که درباره آن امر قیام و آن را به گونه‌ای اصلاح کند که فساد و نقص به آن راه نیابد و به حد کمال و تمامیت خود برسد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۴۷). با توجه به آنچه گفته شد می‌توان گفت استقامت، طلب ثبات قدم و دوام در صراط مستقیم، بدون افراط و تفریط است که منجر به ظهور تمام آثار و منافع آن می‌شود.

استقامت به معنای عام «فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتُ» (هود، ۱۱۳) در آموزه‌های اسلامی، تمامی موارد انجام وظیفه و ایفای مسئولیت‌ها را شامل می‌شود؛ اما بی‌شک یکی از مصادیق بارز استقامت به‌عنوان یک فریضه، صحنه جهاد است و از آنجاکه جهاد از فرایض مهم و مؤکد شریعت است، همان میزان هم استقامت در آن مؤکدتر و مورد اهمیت بیشتر شرع است (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ج ۱، صص ۱۶۰-۱۶۱). آنچه در این مقاله مراد نگارنده است، استقامت در مقابل سلطه استکبار جهانی در حوزه‌های مختلف نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است.

۳. چپستی صلح و سازش در قرآن

صلح از قدیمی‌ترین آرمان‌های بشری است و به دلیل اینکه بیش از هر ارزش دیگر در معرض تهدید و مخاطره بوده، همواره انسان‌ها چه از دیدگاه نظری و چه به لحاظ راه‌حل‌های عملی، در تلاش چاره‌جویی برای رسیدن به آن بوده‌اند (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۱۹). در آموزه‌های اسلامی، صلح اساس زندگی اجتماعی انسان‌ها است و این

اصل، ریشه در فطرت انسان دارد و تمام روابط اجتماعی و سیاسی بر پایه صلح و همکاری متقابل در تمام سطوح اجتماعی استوار می‌شود. از سوی دیگر عمده‌ترین عامل جنگ که تفوق و تبعیض است، مردود شمرده شده است.

عمق اندیشه صلح در اسلام تا آنجا پیش رفته است که در موارد صلح میان دولت اسلامی با جوامع غیراسلامی، بر وفاداری به پیمان‌های دو یا چندجانبه تأکید شده (انفال، ۷۲-۷۳) و از خدشه‌دار شدن هرگونه ستیزه‌جویی در روابط صلح‌آمیز بین جوامع نهی شده است: «...وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا؛ وَ الْبَيْتَ لَا يَنْبَغِي كَيْفَ تَوَازَىٰ كُوفَرًا أُولَٰئِكَ سَمِعُوا لَكُمْ كَلِمَةً أَسْفَلًا مِنْ دَابَّةٍ الَّتِي خَلَقْنَا لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعَ كَثِيرًا وَمَا تُؤْتِيهِمْ كَيْفَ يَنْبَغِي وَاللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (۲). نیز قرآن برای مواردی که دشمن به صلح رغبت نشان می‌دهد، دستور صریح به صلح می‌دهد، صلحی همراه با توکل بر خدا: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ؛ وَ إِنْ كَفَرُوا مِنْكُمْ فَإِنَّمَا تُحْرِمُوا أَن تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ ظُفُرًا وَ لَوْ كَفَرُوا مِنْكُمْ فَمَا لَكُمْ بِهِ عِزٌّ لَّوْ كَفَرُوا مِنْكُمْ وَ لَوْ كَفَرُوا مِنْكُمْ فَمَا لَكُمْ بِهِ عِزٌّ لَّوْ كَفَرُوا مِنْكُمْ وَ لَوْ كَفَرُوا مِنْكُمْ فَمَا لَكُمْ بِهِ عِزٌّ لَّوْ كَفَرُوا مِنْكُمْ» (انفال، ۶۱) و در مورد کسانی که میل به قتال ندارند یا تحت تأثیر عوامل دیگر خود را از این کار کنار می‌کشند و طرح دوستی می‌افکنند، به مؤمنان هشدار می‌دهد که از جنگ با آنان پرهیز کنند (نساء، ۹۰)؛ اما در صورت داشتن خوی تجاوزگری و نقض عهد و پیمان از جانب کفار و مشرکان، نباید هیچ‌گونه صلحی را بپذیرند و باید با آنان جنگید تا سردمداران کفر نابود شوند (توبه، ۷، ۸، ۱۰ و ۱۲)؛ بنابراین از منظر اسلام روابط صلح‌آمیز متقابل جوامع باید به گونه‌ای باشد که حقوق جامعه اسلامی رعایت گردد و استقلال همه‌جانبه آن حفظ شود و منجر به وابستگی و سرسپردگی به دشمنان اسلام و خدشه‌دار شدن عزت مسلمانان نشود.

۴. آثار و پیامدهای سازش و تسلیم در برابر دشمن

از دیدگاه قرآن کریم مستکبران در طول تاریخ، برای وادار کردن مردم به اطاعت و تسلیم در برابر خواسته‌هایشان از فشارهای روحی و جسمی بهره می‌جستند، مانند استخفاف (زخرف، ۵۴)، تحقیر (شعراء، ۱۱۱)، تمسخر (بقره، ۲۱۲)، تهدید به شکنجه و قتل (اعراف، ۱۲۴ و ۱۲۷؛ شعراء، ۴۹) و محاصره اقتصادی (منافقون، ۷) تا در نهایت آنان را برده و

مطیع فرمان خود کنند و در نتیجه به اهداف ننگین خود برسند. در عصر کنونی هم در یک نگاه کلی، سیاست استکبار جهانی برای مقابله با مؤمنان حق طلب و مقاوم را می توان مثلث راهبردی، محاصره نظامی - تحمیل جنگ و فشار -، محاصره اقتصادی و محاصره سیاسی برشمرد تا تحت تأثیر این فشارها، آنان را مجبور به مذاکره کنند و در نهایت با پذیرش خواسته های آنان، سلطه همه جانبه خود را محقق سازند. قرآن کریم ضمن تقیح عمل غیرانسانی مستکبران، جامعه مؤمنان را به صبر و مقاومت فرامی خواند و از طرح دوستی با کفار و مشرکان و سازش با آنان برحذر می دارد و پیامدهای سازش و تسلیم در برابر زورگویی های آنان را در دنیا و آخرت ضلالت و گمراهی، ارتداد، ذلت دنیوی و اخروی، عذاب و خشم خدا بیان می فرماید که در اینجا به اختصار برخی از این پیامدها را بیان می کنیم.

۴-۱. ضلالت و گمراهی

دعوت به توحید و مبارزه با پرستش جبت و طاغوت (نساء، ۵۱؛ نحل، ۳۶) همواره در تعارض با منافع مادی مستکبران در طول تاریخ بوده است. مغایرت این عقیده با خوی استکباری دشمنان، باعث اعمال فشار و جنگ با مؤمنان شده تا در نهایت دست از ایمان خود بردارند: «وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اشْتَطَعُوا؛ پیوسته با شما کارزار می کنند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند» (بقره، ۲۱۷). واژه «حتی» که برای تعلیل است و فعل مضارع «لا يزالون» بر استمرار این رویه دلالت دارند. قرآن کریم با هشدار به مؤمنان می فرماید: «وَمَنْ يَتَّبِدْ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ؛ هر کس کفر را با ایمان عوض کند، مسلماً از راه راست گمراه شده است» (بقره، ۱۰۸) و در آیه دیگر از گمراهی دور و دراز آنان که به خدا شرک می ورزند (نساء، ۱۱۶) یا منکر اصول اساسی دین اند (نساء، ۱۳۶)، خبر می دهد. اگر کفار مستقیم یا از طریق منافقان به عنوان خیرخواهی القای سازش و تسلیم را مطرح و مسلمانان را از مقاومت منصرف کنند، نه تنها اختلاف و نزاع در جامعه اسلامی ایجاد می شود، بلکه با برگشت به کفر قبلی و ارتداد، خسران ابدی سراغشان خواهد آمد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا

يُرْذُوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از کسانی که کفر ورزیده‌اند، اطاعت کنید، شما را به عقب (به کفر و جهالت دوران جاهلیت) بازمی‌گردانند؛ پس زیانکار خواهید گشت» (آل‌عمران، ۱۴۹). این خسران با توجه به اطلاق آن، شامل خسران دنیا و آخرت می‌شود.

گاهی کنار آمدن با دشمن و تسلیم خواسته‌های آنان شدن، دستاوردهای علمی و اقتصادی را به دنبال داشته که امر را بر افراد ظاهریین مشتبه می‌کند؛ اما قرآن کریم این درخشش‌های دنیوی را در مقابل ترک جهاد و مقاومت و گمراهی از راه خدا و از دست دادن نعمت‌های جاودان آخرت بسیار اندک می‌داند: «فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْأَخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» (توبه، ۳۸) و آنان را به عذاب دردناک تهدید می‌کند.

۲-۴. انحراف از دین و تبعیت از آیین باطل

تعاملات اجتماعی مسلمانان با کفار و مشرکان، باید بر مبنای صداقت و احترام متقابل باشد؛ ولی در بعضی موارد افکار شیطانی و تعصبات جاهلی موجبات درگیری و کشمکش‌های طرفینی را در عقیده و شریعت فراهم می‌آورد. وظیفه مسلمانان در این جریان به‌عنوان پاسداران دین، تسلیم‌نشدن در مقابل خواسته‌های نامشروع آنان است. در صدر اسلام عده‌ای با نیت هدایت اهل کتاب یا حمایت آنان در رفع نیازهای مادی و تجارت، به دنبال کسب رضایتشان بودند و این قضیه به‌صورت مماشات و سازش با آنان درمی‌آمد (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۹۶). در عصر حاضر نیز عده‌ای برای تأمین منافع مادی در صدد جلب رضایت کفار و مشرکان بدون لحاظ عقبه ایدئولوژیکی خود و بیگانگان هستند. قرآن کریم مسلمانان را از این تفکر باطل بر حذر می‌دارد و به پیامبر گوشزد می‌کند قضیه اهل کتاب، خصومت شخصی نیست که بتوان آن را به صداقت تبدیل کرد، بلکه قضیه حق و باطل است و در صورت کوتاه آمدن از مواضع به‌حق خود و دنباله‌روی از آنان، دشمنان دین در جایگاه عقیدتی و فکری خود استحکام می‌یابند و جرئت بیشتری در تحمیل عقیده خود به مسلمانان پیدا می‌کنند و آنها را وادار به پیروی از آیین باطل خودشان می‌کنند: «وَلَوْ كُنْ

تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ؛ و هرگز یهودیان و ترسایان از تو راضی نمی‌شوند، مگر آنکه از کیش آنان پیروی کنی» (بقره، ۱۲۰؛ آل‌عمران، ۱۰۰) و این نهایت آرزوی آنان است: «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ؛ بسیاری از اهل کتاب- پس از اینکه حق برایشان آشکار شد- از روی حسدی که در وجودشان بود، آرزو می‌کردند که شما را بعد از ایمانتان، کافر گردانند» (بقره، ۱۰۹)؛ بر این اساس، سازش و مدهانه با کفار و مشرکان فرجامی جز دست‌برداشتن از عقاید حقه و تبعیت از آیین باطل آنان ندارد و در این صورت ولی و یآوری برای آنان نبوده (بقره، ۱۲۰) و جزو ستمگران خواهند بود (بقره، ۱۴۵).

۳-۴. ذلت و خواری در دنیا و عذاب آخرت

قرآن کریم از رفتار برخی مؤمنان در طرح دوستی پنهانی با دشمنان خدا برای جلب حمایت آنان، به شدت انتقاد و از آن نهی می‌کند و به آنها اعلام می‌کند خداوند به آشکار و پنهانشان آگاه‌تر است و هرکس چنین کاری انجام دهد، از راه خدا گمراه شده است (ممتحنه، ۱)؛ زیرا دوستی با دشمنان خدا نه تنها از شدت بغض و کینه آنان به مؤمنان کم نمی‌کند، بلکه اگر به مؤمنان دست یابند، دشمنی خود را اعمال می‌کنند و دست خود را به کشتن و اسیر کردن آنان آلوده می‌کنند و زبانشان را به طعنه و ناسزاگویی باز می‌کنند و دوست دارند که شما کافر شوید (ممتحنه، ۲) و بازگشت به کفر درواقع به معنای فروپاشی فرهنگی و هویتی جامعه اسلامی است که زمینه‌ساز تبعیت کامل از کفار و دشمنان در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی می‌شود و درنهایت منجر به سلطه همه‌جانبه کفار بر جوامع اسلامی و ذلت مسلمانان می‌شود؛ بنابراین، جهت حفظ دین خدا و ثبات قدم در اعتقاد توحیدی، نباید در مقابل استکبار جهانی که کینه دیرینه‌ای به عقیده توحیدی دارد، سر تسلیم فرود آورد و موجبات کفر و گمراهی و ذلت دنیا و خشم و عذاب آخرت را فراهم کرد.

۵. آثار و نتایج استقامت

مقاومت مؤمنان در راه حق آن‌چنان اهمیت دارد که در بحبوحه جهاد بین مسلمانان و کفار حتی هنگام نماز نیز اجازه زمین گذاشتن سلاح به رزمندگان اسلام داده نشده و باید در هر حال هوشیاری و احتیاط خود را حفظ کنند؛ زیرا جبهه کفر همواره در صدد است با غفلت مسلمانان از سازویرگ نظامی خود، به یکباره بر آنان هجوم بیاورند (نساء، ۱۰۲)؛ از این‌رو مؤمنان مجاهد در هر عصری باید آمادگی رزمی و تهاجمی خود را در مقابل دشمنان حفظ کنند و از سستی در جهاد بر حذر باشند و بدانند که اگر مقاومت برای آنان همراه با درد و رنج است، دشمنانشان نیز از این ناراحتی‌ها سهمی دارند، با این تفاوت که مسلمانان امید به رحمت و نصرت الهی دارند؛ ولی آنان فاقد این امید هستند (نساء، ۱۰۴). مقاومت از دیدگاه قرآن دارای آثاری است که برخی به امور دنیایی و برخی به امور اخروی برمی‌گردند. در این مجال به تبیین برخی از آنها از دیدگاه قرآن می‌پردازیم.

۵-۱. توسعه رزق الهی

خداوند متعال در آثار استقامت بیان می‌کند که اگر جن و انس بر طریقه اسلام استقامت بورزند، ما رزق بسیاری روزیشان می‌کنیم: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا؛ بی‌تردید اگر [انس و جن] بر راه [راست اعتقاد و عمل] استقامت ورزند، حتماً آنها را از آب فراوان [و برکات مادی و معنوی] سیراب سازیم» (جن، ۱۶). «ماء غدق» به معنای آب بسیار است و با توجه به سیاق آیه، جمله «لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا» مثلی است که توسعه در رزق را می‌رساند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۴۶) و شاید مقصود از «ماء» معنی اعم است؛ زیرا که آب مادی جسمانی، حیات‌بخش بدن و طبیعت مادی است و آب رحمت که از سر چشمه فیض الهی تراوش می‌کند، حیات‌بخش دل مرده انسانی است و محل پیدایش و جای فرود آمدن آن قلبی است که با متانت و استقامت و پایداری در طریق توحید و ایمان و تقوا همراه است. کسی که طالب چشیدن آب رحمت، معرفت و محبت الهی است، باید ایمان او با متانت و استقامت و بردباری همراه گردد (امین، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۴۸).

در روایتی از امام علی علیه السلام «لَأَشْقِيَنَاهُمْ مَاءَ غَدَقًا» به پرشدن قلوب آنان با ایمان، تفسیر شده است (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۴۳۸) و در روایتی از امام صادق علیه السلام «لَأَشْقِيَنَاهُمْ مَاءَ غَدَقًا» به علم کثیری که از ائمه آموخته می‌شود، تفسیر شده است (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۴۳۹).

۲-۵. نزول فرشتگان برای امداد مؤمنان

از دیدگاه قرآن حصول استقامت امری از جانب خدای متعال است و فعلیت آن، در طاعت خداوند و در اعتقاد به ربوبیت الله و به مشیت الهی است (امامی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۶۴). اگر استقامت وجود داشت، نتایج آن نیز آشکار خواهد شد. در آیاتی از قرآن، سخن از نزول فرشتگان بر مؤمنان مقاوم در راه حق است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ؛ درحقیقت، کسانی که گفتند پروردگار ما خدا است، سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند که هان، بیم مدارید و غمگین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید. در زندگی دنیا و در آخرت دوستانان ماییم» (فصلت، ۳۰-۳۱). برخی مفسران با توجه به روایت امام باقر علیه السلام (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۷۸۸)، نزول فرشتگان را بر مؤمنان در سه موقف «مرگ»، «هنگام ورود به قبر» و «زنده‌شدن در رستاخیز» احتمال داده‌اند؛ اما به جهت اطلاق آیه این بشارت‌ها می‌تواند موارد دیگری را دربرگیرد مانند جهاد با دشمنان؛ چنان‌که خدای متعال در جنگ بدر برای بشارت و اطمینان خاطر و تقویت روحیه مجاهدان سه هزار فرشته نازل فرمود (آل‌عمران، ۱۲۴). نزول فرشتگان بنا به تصریح قرآن اختصاصی به آن حادثه تاریخی ندارد، بلکه سنت الهی است که در صورت صبر و استقامت و پرهیزکاری و مقاومت در راه خدا با تعداد بیشتری فرشته نشاندار، آنان را یاری و با ایجاد شکاف در پیکره لشکر دشمن، آنها را مجبور به بازگشت ذلیلانه می‌کند (آل‌عمران، ۱۲۵-۱۲۷).

۳-۵. نصرت و یاری خداوند

قرآن کریم سنت‌های الهی و وجود رابطه بین حوادث طبیعی عالم را پذیرفته و آنها

را مستند به حکمت و حُسن تقدیر الهی دانسته است. یکی از این سنت‌های قطعی خداوند، سنت نصرت و یاری پیامبران و مؤمنان است: «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِجِئَانِنَا الْمُؤْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ؛ و به یقین قضای حتمی [و وعده قطعی] ما درباره بندگان فرستاده‌مان [در علم ازلی و لوح محفوظ] گذشته است که بی تردید آنها هستند که [از جانب ما] یاری‌شدگان‌اند و البته سپاه ما هستند که پیروزند» (صافات، ۱۷۱-۱۷۳). مراد از «کلمتنا» قضای حتمی خداوند است و مراد از «جندنا» جامعه‌ای است که فرمانبردار امر خدا باشد و در راه خدا جهاد کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۱۷۷)؛ بنابراین جهادگران مطیع امر الهی که در هیچ مرحله‌ای از مبارزه، از خدا فاصله نگیرند و مقاوم باشند، خداوند قدرتش را از خلال همین سنت‌ها اعمال می‌کند و آنان را یاری می‌کند و اسباب غلبه بر دشمن، مانند افکندن ترس در دل دشمنان، جاری کردن امور علیه دشمن، استوار کردن گام‌های مؤمنان و تقویت و آرامش قلوب آنان را برایشان فراهم می‌سازد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أَقْدَامَكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را (پیامبر و دین و کتاب او را) یاری نمایید، خدا هم شما را [در رسیدن به اهدافتان] یاری می‌کند و قدم‌های شما را استوار می‌دارد» (محمد، ۷).

جاری شدن این سنت الهی از ابتدای تاریخ در تمام درگیری‌های بین حق و باطل استمرار داشته و هر اندازه استقامت و پایداری لشکریان حق بر سر آرمان‌های الهی بیشتر بوده، نصرت همه‌جانبه خداوند شامل حالشان شده است. تاریخ درخشان مجاهدت‌های صدر اسلام و پیروزی ملت مسلمان ایران در جریان انقلاب و جنگ تحمیلی با صبر و استقامت گواه این سخن است. آنان با وجود کمی عده و عُده بر دشمنان پیروز شدند: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ چه بسا گروهی اندک که به خواست خدا بر گروهی بسیار پیروز شده‌اند و خدا با شکیبایان است» (بقره، ۲۴۹). تاریخ چهل ساله انقلاب اسلامی ایران نیز نشان‌دهنده این حقیقت است که ملت مسلمان ایران در مقابله با دشمنان قدرتمند جهانی، هر گاه با خودباوری و خوداتکایی و توکل به خدا و برای خدا و اعتلای کلمه حق ایستادگی کردند، توان ایستادگی در برابر امواج سهمگین مشکلات در آنان افزایش یافت و مشمول نصرت و یاری بی‌نظیر خداوند

شدند تا جایی که اعجاب جهانیان را برانگیختند. حقیقت این مقاومت در روز قیامت ظهور و بروز پیدا می‌کند و نصرت خدا در روز قیامت نیز شامل حال این افراد خواهد شد؛ به این معنا که در روز قیامت آنها را خوار و رسوا نمی‌کند: «يَوْمَ لَا يَخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا» (تحریم، ۸)؛ بنابراین پیامبران و پیروان حقیقی آنان در سایه مقاومت مستمر و مرعوب‌نشدن در برابر دشمن، همواره از نصرت الهی در دنیا و آخرت بهره‌مند خواهند شد.

۴-۵. محبوب خدا شدن

حب یکی از گرایش‌های فطری بشر است که ریشه در کمال‌جویی دارد و چون خداوند جامع اوصاف کمال و جمال است، مؤمنان شدیدترین محبت را به خدا دارند: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره، ۱۶۵). از سوی دیگر محبت الهی از کانال اطاعت از رسول خدا عبور می‌کند: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ» (آل عمران، ۳۱). از جمله کسانی که مورد محبت خدا قرار می‌گیرند، صابران هستند: «وَاللَّهُ يَحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل عمران، ۱۴۶). اینان همواره در حال تضرع، از خداوند متعال آمرزش گناه و ثبات قدم و نصرت و یاری علیه کفار را درخواست می‌کنند.

از مهم‌ترین عوامل پیروزی در برابر دشمن، صفوف محکم و به‌هم‌پیوسته رزمندگان اسلام است که با روحیه‌ای وصف‌ناپذیر از دین و حق دفاع می‌کنند. اینان کسانی هستند که متعلق محبت الهی قرار می‌گیرند: «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُيُوتًا مَرْصُوصًا» (صف، ۴). برخی مفسران می‌گویند: در این آیه نفس پیکار مطرح نیست، بلکه نیت و انگیزه پیکار و نحوه مواجهه با دشمن مطرح است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۶۳). برخی دیگر حب الهی را که از رحمت الهی به بندگان افاضه می‌شود، مشروط به نیت خالصانه در راه خدا و اقامه حق و ازین‌بردن باطل و اعتلای کلمه خدا و اسقاط سخن شیطان و حاکمیت دین در سراسر عالم می‌دانند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۲، ص ۱۸۱). محبت خدا به بندگان، همان بخشش نعمت‌ها است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۵). در آیه ۴ سوره صف نیز محبت خدا پیروزی و نصرت مؤمنان علیه دشمنان است. در آیه دیگر،

کسانی که در برابر مؤمنان، فروتن و در برابر کافران، سرسخت و قدرتمند هستند و همواره در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی ترسند، مورد محبت خدا قرار گرفته اند: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (مائده، ۵۴). اثر و نتیجه محبت الهی، آمرزش گناهان و ورود در نور ولایت خداوند است: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره، ۲۵۷).

۵-۵. عزت و سربلندی

بی شک عزت و سربلندی در پرتو فرهنگ مقاومت دست یافتنی است. عزت از ماده «عزز» بر شدت و قوت و غلبه دلالت می کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۸). واژه عزت از «عزاز» گرفته شده است. به زمین محکم و نفوذناپذیر «أَرْضٌ عَزَازٌ» می گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۶۳). عزت در اصطلاح حالتی است که از شکست انسان پیشگیری می کند و مانع مغلوب شدن انسان در مقابل دشمنان می گردد.

براساس آیات قرآن اصلتاً عزت از آن خداوند است و اگر پیامبر و مؤمنان عزت دارند، عزتی تبعی و اعطایی است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون، ۸) و هر کس که طالب عزت است، باید از خداوند بخواهد و همه عزت‌ها ملک خداوند است: «مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً» (فاطر، ۱۰)؛ بر همین اساس، قرآن کریم کسانی را که به دنبال طرح دوستی با کفار و پذیرش ولایت آنان جهت رسیدن به عزت هستند، نکوهش کرده است: «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَبْتِغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً؛ همان کسانی که کافران را به جای مؤمنان سرپرست و یاور و دوست خود می گیرند، آیا نزد آنان عزت و عظمت می طلبند؟ پس [بدانند که] بی تردید همه عزت از آن خدا است» (نساء، ۱۳۹)؛ چون همه جز خداوند، در ذاتشان فقیر و در نفسشان ذلیل هستند و چیزی را که نفعشان در آن باشد مالک نیستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۲۲).

در روایات معصومان علیهم السلام جهاد راهی برای عزت اسلام و مسلمانان شمرده شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام در حکمت تشریح جهاد می فرماید: «فَرَضَ اللَّهُ.. وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ؛ و جهاد را موجب عزت اسلام قرار داد» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲). آن حضرت آن گاه که

لشکری را به جنگ با شامیان بسیج می کرد، در سرزنش کوفیان چنین فرود: «ارَضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ بَدَلًا، وَ بِالذُّلِّ وَ الْهَوَانِ مِنَ الْعِزِّ وَ الْكِرَامَةِ حَلْفًا؛ آیا به عوض زندگی آخرت به زندگی دنیا خشنود شده اید؟ آیا ذلت را جانشین عزت خواسته اید؟» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).

بنابراین، مؤمنان در سایه جهاد و استقامت در راه حق و تسلیم نشدن در برابر دشمنان خدا به عزتی حقیقی می رسند. اینان که برای رسیدن به اهداف الهی و مقدس خود، جان و مال خود را در متجر الهی در معرض فروش گذاشته و با خدا معامله می کنند (توبه، ۱۱۱)، در آخرت نیز به فوز عظیم و بهشت جاودان و رضوان الهی می رسند و فلاح و رستگاری و عزت واقعی همین است (صف، ۱۰-۱۲).

۵-۶. غلبه کامل اسلام بر تمام ادیان

تشکیل تمدن جهانی اسلامی که بر مبنای ازاله هرگونه ستم در سراسر عالم و جایگزینی عدالت شکل می گیرد، بدون مقاومت امکان پذیر نیست. در قاموس منتظران واقعی، سازش و تسلیم در برابر نظام های سلطه جهانی و طاغوت ها جایی ندارد و همسویی و معاونت با آنان ظلم به شمار می رود و این پایداری و مقاومت مستمر است که زمینه ساز تحقق وعده الهی در جانشینی خلیفه خدا بر روی زمین و حاکمیت حکومت صالح و توحیدی، عاری از ناامنی و ظلم می شود و بستری مناسب برای عبودیت خالصانه فراهم خواهد کرد (نور، ۵۵).

دعوت به توحید، یک دعوت انقلابی است؛ از این رو با مبارزه و جهاد همراه است: «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» (بقره، ۱۹۳). بدون از میان برداشتن فتنه ها و موانع بزرگی که سران رژیم های سیاسی کفر و شرک ایجاد کرده اند، استقرار نظام توحیدی در زمین امکان ندارد. نظام شرک آلود همواره در صدد خاموش کردن نور خدا از طریق تبلیغات مسموم، سست کردن پایه های اعتقادی مسلمانان، و فشارهای اقتصادی و نظامی است: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ» (صف، ۸)؛ اما با مجاهدت مؤمنان صابر و اراده خدا بر غلبه کامل دین اسلام بر دیگر ادیان، نور خدا کامل خواهد شد: «وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (صف، ۸)؛ از این رو سزاوار نیست مسلمانان سستی و نگرانی به

خود راه دهند و در امر مبارزه کوتاه بیایند و باید بدانند که اگر ایمان داشته باشند، خدا خواسته است دست بالا قرار گیرند: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ او است کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید» (صف، ۹) (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۴۷)؛ بنابراین شرط تحقق وعده الهی و حاکمیت کامل دین خدا، مقاومت و ایستادگی در مقابل جبهه باطل است و تا زمانی که سیاست استکبار جهانی و نظام کفر، بر پاشنه تحریم، فشار و خونریزی و جنایت علیه مسلمانان می چرخد، تنها راه پیش روی آنان، ایستادگی و مقاومت است تا سیاست‌های شکست خورده دشمنان در نابودی اسلام و مسلمانان در تمام مناطق جهان ناکام بماند.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه بیان شد، به نتایج زیر دست می یابیم:

۱. اصل اولی در روابط مسلمانان با کفار در عرصه‌های مختلف، صلح و روابط مسالمت آمیز بر مبنای احترام متقابل و پایبندی به عهد و پیمان است.
۲. اگر کفار بنا را بر بدعهدی و نقض پیمان بگذارند و دشمنی خود را آشکار سازند، تسلیم و سازش در مقابل آنان ممنوع و ایستادگی و مقاومت در برابر آنان لازم است.
۳. ترفند مستکبران در تسلیم و وادار به اطاعت کردن مردم استخفاف، تحقیر، تمسخر، تهدید به قتل و شکنجه و اخراج از سرزمین و محاصره اقتصادی است.
۴. هزینه‌ها و پیامدهای سازش و تسلیم در برابر دشمنان به مراتب بیشتر از ایستادگی و مقاومت در برابر آنان است و نتیجه سازش و تسلیم ارتداد، گمراهی، ذلت و سلطه کفار بر مسلمانان و خشم و عذاب الهی است.
۵. نتیجه مقاومت و ایستادگی توسعه رزق الهی، نزول فرشتگان، محبوب خدا واقع شدن، نصرت خداوند، عزت و سربلندی و غلبه اسلام بر تمامی ادیان است.
۶. مقاومت و جهاد تا از میان برداشتن فتنه‌ها از عالم باید ادامه داشته باشد تا شاهد استقرار نظام توحیدی در سراسر جهان باشیم.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه.

۱. آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم (ج ۶). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (مصصح: هارون عبدالسلام محمد، ج ۴). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور (ج ۱۱ و ۲۵). بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
۴. ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة (ج ۱۲). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. امامی، عبدالنبی. (۱۳۸۹). فرهنگ قرآن: اخلاق حمیده (ج ۱). قم: مطبوعات دینی.
۶. امین، سیده نصرت. (بی تا). مخزن العرفان در تفسیر قرآن (ج ۱۴). تهران: نهضت زنان مسلمان.
۷. بحرانی، هاشم. (۱۴۱۵ق). البرهان فی تفسیر القرآن (ج ۴). قم: مؤسسه البعثه. قسم الدراسات الإسلامیه.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه (مصصح: احمد عبدالغفور عطار). بیروت: دار العلم للملایین.
۹. حویزی، عبدالعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین (ج ۵، چاپ چهارم). قم: اسماعیلیان.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸/۰۳/۱۴). بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای
<https://b2n.ir/q91832>
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا (ج ۲، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۳). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار العلم؛ دمشق: الدار الشامیه.

۱۳. صاحب، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة (ج ۲ و ۸، مصحح: محمدحسن آل یاسین). بیروت: عالم الکتب.
۱۴. طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۹، ۱۱، ۱۷ و ۲۰). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۹). دانشنامه فقه سیاسی (مشمول بر واژگان فقهی و حقوق عمومی؛ تدوین و تنظیم: ابراهیم موسی زاده، ج ۱ و ۲). تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. فضل الله، محمدحسین. (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن (ج ۲ و ۲۲). بیروت: دار الملائک.
۱۷. مراغی، احمد مصطفی. (بی تا). تفسیر المراغی (ج ۱۲). بیروت: دار الفکر.
۱۸. مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۹، چاپ سوم). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. (ج ۲۴، چاپ دهم). تهران: دارالکتب الإسلامیه.

References

* The Holy Quran

* Nahj al-Balaghah.

1. Alusi, S. M. (1415 AH). *Rouh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Adim* (Vol. 6). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiya. [In Arabic]
2. Amid Zanjani, A. A. (1389 AP). *The Encyclopedia of Political Jurisprudence (including jurisprudential words and public law*; E. Musazadeh, Ed. Vols. 1, 2). Tehran: Tehran University Publishing Institute. [In Persian]
3. Amin, S. N. (n.d.). *Makhzan al-Erfan in the interpretation of the Qur'an* (Vol. 14). Tehran: Muslim Women's Movement.
4. Azhari, M. (1421 AH). *Tahdib al-Loqah* (Vol. 12). Beirut: Dar Al-Ihya Al-Torath Al-Arabi. [In Arabic]
5. Bahrani, H. (1415 AH). *Al-Borhan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 4). Qom: Al-Ba'athah Institute. Qism al-Dirasat al-islamiyah. [In Arabic]
6. Dehkhoda, A. A. (1373 AP). *Dehkhoda dictionary* (Vols. 2, 8, 9, 10, 13). Tehran: Institute of Publishing and Printing, University of Tehran. [In Persian]
7. Fazlullah, M. H. (1419 AH). *Min Wahye al-Qur'an* (Vols. 2, 22). Beirut: Dar al-Milak. [In Arabic]
8. Howeizi, A. (1415 AH). *Tafsir Noor al-Thaqalain*. (Vol. 6, 4th ed.). Qom: Esmailian. [In Arabic]
9. Ibn Ashour, M. T. (1420 AH). *Tafsir al-Tahrir va al-Tanwir al-Marouf be Tafsir Ibn Ashur* (Vols. 11, 25). Beirut: Mu'asisah al-Tarikh al-Arabi. [In Arabic]
10. Ibn Faris, A. (1404 AH). *Mujam Maqa'is al-Loghah* (Vol. 4). (H. Muhammad, Ed.). Qom: Maktab al-A'alam al-Islami. [In Arabic]
11. Imami, A. (1389 AP). *Dictionary of the Quran. Good morals* (Vol. 1). Qom: Religious press. [In Persian]
12. Johari, I. (1376 AH). *Al-Sahah: Taj al-Lugha va Sahah Al-Arabiya*. (A. Attar, Ed.). Beirut: Dar Al-Ilm le al-Mala'een. [In Arabic]

13. Khamenei, S. A. (14/03/1398 AP). *Statement on the thirtieth anniversary of the death of Imam Khomeini*. from: Information base of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works <https://b2n.ir/q91832>. [In Persian]
14. Makarem Shirazi, N. et al. (1371 AP). *Tafsir Nemouneh*. (Vol. 24); (10th ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. [In Persian]
15. Maraghi, A. M. (n.d.). *Tafsir al-Maraghi* (Vol. 12). Beirut: Dar al-Fikr.
16. Mustafawi, H. (1430 AH). *al-Tahqiq fi Kalamat al-Qur'an al-Karim*. (Vol. 9. 3rd ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. [In Arabic]
17. Ragheb Isfahani, H. (1412 AH). *Mufradat Alfaz al-Qur'an*. Beirut: Dar Al-Ilm; Damascus: Al-Dar Al-Shamiya. [In Arabic]
18. Sahib, I. (1414 AH). *Al-Mohit fi al-Loqah*. (M. H. Al Yassin, Ed. Vols. 2, 8). Beirut: Alim al-Kitab. [In Arabic]
19. Tabatabaei, S. M. H. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vols. 9, 11, 17, 20). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]